

توحید؛ سرانجامی در آغاز

خلاصه جلسه هجدهم: نخستین نغمه‌های نبوت

حضرت آیت الله خامنه ای در پنجمین جلسه نبوت، به نخستین شعار دعوت انبیا که همان نغمه توحید است؛ پرداختند: «توحید همه چیز مکتب انبیا علیه السلام است. توحید و معرفت خدا هم مایه‌ی تکامل و تعالی روح انسان است، که این هدف عالی و نهایی انبیا است، و هم طرح توحید به معنای ایجاد یک محیط الهی، یک جامعه و نظام الهی، یک نظام عادلانه، یک نظام بی‌طبقه، یک نظام بدون استثمار، یک نظام بدون ظلم، به معنای تشکیل یک چنین نظامی است.» آنانکه در جریان دعوت پیامبران قرار گرفته‌اند و آن را می‌پذیرند و هم آنان که از آن سربلایی کرده و با آن می‌ستیزند؛ با مطرح شدن توحید به خوبی می‌فهمند که در این مکتب، مبارزه با تحکات بشری و اختلاف طبقاتی و استثمار و ستمگری به هر شکل مطرح است. همچنانکه در دوران سازندگی اجتماعی و تشکیل نظام مطلوب، مراعات آزادی و تکریم انسان و عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و برافتادن ستم و بیداد مورد نظر است و مشخص بودن هدف و جهت و راه انبیا و تعهد و تکلیف پیروان انبیا از انحراف‌های مسلکی و مکتبی در ادامه راه جلوگیری می‌کند.

جلسه ۱۸: نخستین نغمه‌های نبوت توحید؛ سرانجامی در آغاز				
آیه ۳۶ سوره‌ی مبارکه‌ی نحل آیات ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف			آیات این جلسه	
نغمه توحید	عبودیت خدا	اجتناب از طاغوت	دعوت انبیاء	واژگان کلیدی
نکات کلیدی			آیه	
<p>عبودیت کنید خدا را و دوری بگزینید از طاغوت؛ این حرف اول پیغمبرهاست.</p> <p>طاغوت رقیب خداست. طاغوت آنی است که شاخ به شاخ، مقابل خدا و فرمان خدا می‌ایستد، هر که هست. گاهی این طاغوت خود تویی؛ «أَعَدَى عَدُوَّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْكَ»، گاهی طاغوت همان دل هرزه درای توست. گاهی طاغوت همان هوس روز و شب توست. گاهی آقایی طلبی یک آدم طاغوت اوست، تکبر یک انسان، طاغوت اوست. گاهی هم قدرت‌های خارج از وجود انسانند. قدرت‌هایی که همین طور دایره وار وسیع می‌شود، وسیع می‌شود و بالا می‌رود. به هر حال پیغمبرها وقتی که آمدند، گفتند خدا، نه طاغوت.</p> <p>ببینید عاقبت آن کسانی که ضلالت بر آنان قرار گرفته بود و پیغمبر را تکذیب کردند و هدایت او را نپذیرفتند چگونه شد. ببینید تمدن‌های برافتاده را، ببینید کشورها و شهرهای ویران شده را، ببینید بابل و آشور و گلدهی نابود شده را، که از آن جز نامی در ستون تاریخ باقی نماند. ببینید قدرت فرعونیان مصر را که جامعه‌ی مصری مثل طوماری در هم نوردیده شد. اینها را قرآن می‌گوید؛ ببیند امت‌ها</p>			<p>وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ</p> <p>(نحل/۳۶)</p> <p>و همانا برانگیختیم در هر امتی، پیامبری که عبودیت کنید خدا را و دوری بگزینید از طاغوت.</p> <p>بعضی از آنان را خدا هدایت کرد و بر بعضی از آنان گمراهی قرار گرفت. پس در زمین گردش کنید پس بنگرید فرجام کار تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟</p>	

و کشورهای را که به سخن پیامبر گوش فرادادند، عاقبتشان چه شد، محکوم به زوالند. به طور کلی تا آخر دنیا این است؛ هر جامعه‌ای، هر امتی که بر روال دین حرکت نکند و بر طبق دین حرکت نکند، نابود خواهد شد. نه اینکه آدم‌هایش همه خواهند مرد، نه؛ نابود شدن امت، به معنای نابود شدن تشکیلات ملی آنهاست. جذب می‌شوند، هضم می‌شوند، جزو ملت‌های دیگر می‌شوند، ملتشان اصلاً از بین می‌رود، امروز شما ملیت کلدی را معین کنید کجاست؛ ملیت آشور را معین کنید کجاست؛ ملیت بابل را معین کنید کجاست. این تمدن‌های بزرگ تاریخ، اولین تمدن‌های بشری اینها، کجایند اینها؟

درباره‌ی این قوم عاد است ظاهراً، که اینها در میان کوه‌ها خانه می‌ساختند، بعید نمی‌داند آدم که برای آن اواخر عهد حجری باشد که بعضی از دانشمندان مادی ذکر کردند و ترسیم کردند. غرض، برای خیلی قدیمند... با این بیان چقدر غلط و باطل می‌شود فرضیه‌ی آن کسانی که می‌گویند توحید و به طور کلی دین، بر اثر وضع طبیعی انسان‌ها و از روی جهالت و نادانی انسان‌ها به وجود آمد و دین تدریجاً به توحید رسید. می‌گویند اول اقوام مشرک بودند... بعد توحید پدید آمد، در حالیکه نه، می‌بینیم از روزگار قدیم، از دوران باستان توحید بوده.

وَالِیْ عَادِ اٰخَاهُمْ هُوْدًا قَالَ يَا قَوْمِ اٰتِبُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِهٖ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ

(اعراف/۶۵)

پس به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم. گفت ای قوم من، خدا را عبودیت کنید، به جز او شما را معبودی نیست. آیا پروا نمی‌گیرید؟

<p>این جزو اتهاماتی ست و پندارهای دروغی ست که نسبت به داعیان حق، همیشه زمان بوده.</p>	<p>قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَنظُّنُكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (اعراف/۶۶)</p> <p>برگزیدگان قوم که کافر بودند گفتند: حقا تو را در نابخردی می بینیم و گمان داریم که تو از جمله‌ی دروغگویانی.</p>
<p>در مقابل اتهام آنها، سخن ناشایست آنها، سخن حق خود را تکرار کرد.</p>	<p>قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (اعراف/۶۷)</p> <p>گفت ای قوم من، در من نابخردی نیست. بلکه من پیام آور پروردگار و زمامدار جهانیانم.</p>
<p>من برای شما خیرخواهی امانت دارم. خیر شما را می خواهم، رشد شما را می خواهم، پیشرفت شما را می خواهم که شما را به خدا و توحید دعوت می کنم.</p>	<p>أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (اعراف/۶۸)</p> <p>پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و شما را خیرخواهی امین می باشم.</p>

أَوْعَيْبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن
رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ
وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن
بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي
الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ
لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ

(اعراف/۶۹)

آیا در شگفتید که یادآوری برای شما از سوی پروردگارتان بر مردمی از میان شما فرارسد که شما را بدان بیم دهد؟ و به یاد آورید که شما را جانشینان پس از قوم نوح ساخت و شما را در خلقت و اندام فزونی بخشید. نعمت‌های خدا را به یاد آورید، مگر به پیروزی و موفقیت نایل گردید.

یعنی از اینکه یک انسانی از انسان‌های معمولی، در همین کسوت شما، در همین لباس شما، به مقام نبوت و پیامبری برسد، تعجب می‌کنید؟

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ
وَنَذَرَ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَأَنْتَ يَا
تَعْدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

(اعراف/۷۰)

گفتند آیا نزد ما آمده‌ای تا خدا را به تنهایی عبادت کنم و ذواتی را که پدران ما عبادت می‌کرده اند واگذاریم؟ اگر راست می‌گویی هر چه را که بدان تهدیدمان می‌کنی بیاور!

دشمن هم فوراً می‌فهمد که عبادت انحصاری خدا یعنی چه.
[چرا که می‌پرسد] آیا تو آمده‌ای نزد ما تا ما فقط خدا را بپرستیم و عبودیت کنیم؟

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ
رِجْسٌ وَعَصَبٌ أَتَّجَادِلُونَنِي
فِي أَشْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ
وَأَبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ
سُلْطَانٍ فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ
مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ

(اعراف/۷۱)

گفت: حقا که از جانب پروردگارتان بر شما پلیدی و خشم مقرر گشته است. آیا با من درباره نام‌ها (ی پوچ و بی معنایی) که شما و پدرانتان از پیش خود نهاده‌اید مجادله می‌کنید؟ که خدا هیچ قدرتی (حجتی) آن را نفرستاده است؟ پس منتظر شوید من نیز با شما جزو منتظران خواهم بود.

پلیدی‌ای در وجود خودتان و خشمی از ناحیه‌ی پروردگارتان شما را فرا گرفت؛ بدبخت هستید. درباره‌ی نام‌های پوچ و بی‌معنی که خود شما و پدرانتان نام بر آنها گذاشتید، آن نام‌ها را جعل و وضع کردید، برای خاطر این موجودی که خودتان این موجود را درست کردید و به این قدرت بخشیدید، برای خاطر او با من مجادله می‌کنید؟ خدا درباره‌ی آن هیچ سلطانی، یعنی هیچ قدرتی، نازل نکرده است، یا هیچ حجتی؛ حجت یعنی دلیل و برهان. و سلطان، هم به معنای قدرت می‌آید، هم به معنای حجت، یعنی دلیل و برهان؛ اینجا هر دو معنا می‌تواند باشد. یکی از این معنا که بگوییم خدای متعال هیچ حجتی و دلیلی بر درستی و راستی و استواری این خدایان تو و خداوندگاران تو، برای تو نفرستاده. حرف دیگر اینکه بگوییم نه، خدا هیچ قدرتی به آنها نداده، و این موجودات زیون عاجز ناتوان را که هیچ قدرتی خدا به آنها نداده است در کنار خدا می‌گذارید.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳/۰۷/۱۳۵۳ در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد:

در دعوت انبیاء، نخستین شعار، همان نغمه‌ی توحید است که حساس‌ترین و اساسی‌ترین نقطه، بل روح و عنصر اصلی مکتب آنان محسوب می‌گردد. اگر در برنامه‌ی انقلابی مکتب‌های دیگر، روال کار بر (تدریج) است و شعارهای نخستین، چیزی جز زمینه‌سازی برای پیشبرد هدف‌ها نیست، در برنامه‌ی انبیاء سخن آخر در آغاز گفته می‌شود و هر کس در ابتدای ایمان و پیوستگی، جهت و هدف و فرجام کار را می‌فهمد و از روی بصیرت کامل بدان می‌گردد.



پیروان انبیا از چه راهی می‌خواهند وارد بشوند؟ از کجا می‌خواهند شروع کنند، بهتر، و قاطع‌تر و نتیجه‌بخش‌تر از آن نقطه‌ای که انبیا از آنجا شروع کردند؟ ما چرا امروز وقتی که صحبت دین می‌شود، اول توحید را مطرح نمی‌کنیم؟ چرا؟ این یک سؤالی است که باید واقعاً بشود، مگر غیر از این است؟ ما چرا برای متدین کردن مردم خود، جامعه‌ی خود، دنیای خود، از آنجایی که انبیا شروع کردند، شروع نمی‌کنیم؟ ما می‌خواهیم مردم دنیا را به دین اسلام معتقد کنیم؛ از راهی غیر از راهی که انبیا وارد شدند، وارد می‌شویم؛ باید توحید را مطرح کنیم، همان توحیدی که انبیا مطرح کردند. اگر نتوانیم در افق جهانی، در سطح بین‌المللی، آن رستاخیز را به وجود بیاوریم، که البته به این آسانی‌ها هم نمی‌توانیم؛ لااقل می‌توانیم در سطح بین‌المللی و در افق جهانی، به مردم بگوییم که هدف و مقصد انبیا، ایجاد آن چنان رستاخیزی است.